

## TUDEHII THINKING, THE BARRIER OF IRANIAN OPPOSITION

<http://www.ghandchi.com/367-tudehii-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/367-tudehiiEng.htm>



سام قندچی

### اندیشه توده ای، سد راه اپوزیسیون

از کودتای 1332 تا کنون، بیش از پنجاه سال است که در ادبیات سیاسی ایران از حزب توده نقد نوشته شده است اما بنظر من اصل مسأله نقد نشده است، و هنوز هم اشکال اصلی اپوزیسیون ایران سنت حزب توده است. منظور من خود حزب توده، و یا بازمانده های آن نیست، که امروز تفاوت چندانی با بقیه اپوزیسیون ایران ندارند. منظور من نکته دیگری است که در پائین تر توضیح میدهم.

در سالهای پس از 28 مرداد 32 تا انقلاب 57، در درون جنبش رادیکال ایران، اساساً نقد از حزب توده این بود که حزب توده رفرمیست بوده است. نقد ملیون نیز این بود که حزب توده دنبالچه شوروی بوده است. برخورد رژیم پهلوی هم این بود که حزب توده جاسوس شوروی بوده، و در پی جایگزینی نفوذ انگلیس و آمریکا در ایران، با نفوذ شوروی بوده است. جریانات اسلامی هم حزب توده را کافر مینامیدند، با آنکه حزب توده تأکیدی بر روی ترویج لامذهبی نمیکرد.

در پس از انقلاب 57، با بیشتر و بیشتر رفرمیست شدن جنبش رادیکال ایران، تفاوت حزب توده و بقیه چپ هم کمتر شد، و تا سال 1360، بخشهایی از جریانات رادیکال چپ هم با حزب توده ادغام شدند. یک دهه بعد، با سقوط شوروی و بلوک شرق، بازمانده های حزب توده همانقدر مختلف بودند که بازمانده های بقیه چپ. ملیون و مذهبیبون هم حزب توده را مرده فرض میکردند یا همان نقد های گذشته را میکردند. سلطنت طلبان هم اساساً با همان مفاهیم گذشته، نظیر تعلق به رژیم کمونیستی یا جاسوسی اجنبی، حزب توده را مورد خطاب قرار میدادند.

واقعیت این است که حزب توده و بقایای آن، بمثابة یک نیروی سیاسی یا ایدئولوژیک، بویژه پس از سقوط شوروی، دیگر اهمیتی ندارند. پس چرا من اندیشه توده ای را سد راه اپوزیسیون ایران میخوانم؟

بنظر من یک اشکال بزرگ اپوزیسیون ایران از زمان تأسیس حزب توده در هفتاد سال پیش، این بوده است که این حزب جدا از سیاست، برنامه، و حتی ایدئولوژی اش، هم و کوشش خود را صرف نصیحت به رژیم حاکم میکرد و میگفته که رژیم چکار باید بکند، گوئی که این حزب در قدرت است و متفکرینش مشاورین رژیم وقت هستند، نه آن که این حزب در قدرت \*نیست\* و ارائه دهنده آلترناتیو رژیم وقت باشد. مثلاً حزب دموکرات آمریکا وقتی در قدرت نیست، هم خود را صرف نصیحت حکومت جمهوریخواه وقت نمیکند و انرژی اش مصروف برنامه روشن جهت کسب قدرت است (حتی اگر در عمل بخشاً قدرت را در قوه مقننه کسب کند).

در سالهای 1320-1332 واقعیت حزب توده نظیر حزب کمونیست ایتالیا نبود هر چند هر دو اصلاح طلب بودند. حزب توده یک طرح رفرم برای جامعه ارائه نمیکرد که سعی کند نیروی خود را متشکل کند تا کل یا بخشی از حکومت را بدست آورد و برنامه خود را به پیش ببرد. بجای آن، آنها به هر حکومتی که بود نصیحت میکردند، و حتی وقتی در حکومت وزیر داشتند، عملکردشان مثل یک ژورنالیست ناظر بر اوضاع بود، بود تا مثل کسی که در قدرت است و در پی اجرای برنامه خود، حتی وقتی بخشاً در قدرت باشد.

در واقع در همه دنیا، چه تشکیلاتهای سیاسی انقلابی، و چه رفرمیست، در پی کسب قدرتند، و هیچگاه از داشتن چنین هدفی خجالت نمیکشند، و آن را مخفی نمیکنند، و از راه اصلاحات یا انقلاب، برای کسب قدرت استفاده میکنند، چرا که فکر میکنند بهتر میتوانند جامعه را اداره کنند، و به این خاطر بحث میکنند و برنامه میدهند، و گرنه دلیلی نداشت حزب یا گروه خود را بسازند، عضو احزاب دیگر میشدند.

در واقع این فرق احزاب با مطبوعات است. مطبوعات هدفشان بیان نظرگاه‌های مختلف است، و به همین علت جراید گوناگون شکل میگیرند. اما هدف از شکل دادن گروه‌ها و احزاب سیاسی مختلف، بحث و تبادل نظر نیست. هدف گرفتن قدرت است، حال چه آنها که از طریق رفرم بخواهند به آن هدف برسند، و چه آنها که از طریق انقلاب، در اصل هدف تشکیل یک سیستم سیاسی که کسب قدرت است، تفاوتی نیست.

اندیشه توده‌ای در واقع دو سنت موجود در دنیا، که در ایران دوران مشروطیت نیز بوضوح هر دو وجود داشتند، یعنی سنت مطبوعات و سنت احزاب سیاسی را، در هم ریخته، یا بهتر بگویم، مخدوش کرده است. بنظر من اشکال بزرگ همه جنبش سیاسی ما در 70 سال گذشته، از زمان تأسیس حزب توده، و بویژه در 25 سال اخیر که رفرم بیشتر مد نظر جریانات سیاسی ایران بوده است تا انقلاب، درک از رفرم نظیر سنت سیاسی دوران مشروطیت نبوده، بلکه نظیر اندیشه توده‌ای بوده است که گویی طرح احزاب سیاسی برای رفرم، یعنی نقد و توصیه به حکومت وقت و نه کسب قدرت سیاسی.

صرفنظر از برنامه سیاسی و فکری جریانات سیاسی مختلف، هر جریان سیاسی بایستی تفاوت خود با مطبوعات را درک کند و هدف خود را کسب قدرت بداند. اگر چه درست است که احزاب هم کار فرهنگی و مطبوعاتی میکنند، اما هدف از انجام همه آن کارها کسب قدرت است، و بایستی از روشن بودن در آن باره، و اعلام آن رودر بایستی کرد.

من بسهم خود فکر میکنم که اکنون زمان ایجاد حزب آینده‌نگر ایران است. من پلاتفرم ضمیمه را پیشنهاد کرده‌ام. این پلاتفرم از آنچه حتی پس از انقلاب آمریکا، حزب دموکرات آمریکا ارائه کرده بود، یا سوسیالیست‌ها در زمان مانیفست ارائه کردند، در عرصه‌های دموکراسی، عدالت، پیشرفت، و سیاست خارجی، نسبت به جامعه فراصنعتی کنونی، همانقدر کامل است، که آنها نسبت به جامعه در زمان خود بودند.

مثلاً اگر بنیان‌گذاران انقلاب آمریکا، جهت برنامه‌های عدالت جامعه آینده مورد نظر خود را، در پرتو مالکیت خصوصی میدیدند و یا سوسیالیست‌های جامعه صنعتی عدالت آینده را در پرتو مالکیت دولتی میدیدند، این پلاتفرم جهت برنامه‌های عدالت آینده را در پرتو مالکیت سازمان‌های غیر دولتی NGO میبیند، اما نظیر اولین برنامه‌های سرمایه‌داری یا سوسیالیستی جامعه صنعتی، این برنامه نیز بعداً توسط حزب دقیق‌تر خواهد شد، اما برای شروع در این جامعه فراصنعتی، اگر این برنامه از برنامه‌های سیاسی سرمایه‌داری یا سوسیالیستی ابتدای جامعه صنعتی غنی‌تر نباشد، ضعیف‌تر نیست.

دیگر آنکه هدف از بحث پلاتفرم حزبی، ایجاد یک کمیته تدارکاتی برای تأسیس حزب آینده‌نگر است، حزبی که در پی کسب قدرت در ایران باشد، و البته کسب قدرت بمعنی نداشتن متحد و عدم ائتلاف نیست، که درباره آن در مقاله ضمیمه نوشته‌ام، اما برای موسسین حزب، بایستی روشن باشد، که هدف کمیته تدارکاتی، هدفی سیاسی برای کسب قدرت است، و نه هدفی صرفاً مطبوعاتی.

من فکر میکنم که عدم طرح روشن هدف گرفتن قدرت، باعث میشود که اوج‌گیری ناگهانی جنبش، میتواند یک نیروی سنتی، نظیر مسجد در زمان انقلاب 57 را، به رأس جنبش پرتاب کند، و بدینگونه نیروهای سیاسی مدرن میتوانند، به منقدین مطبوعاتی تحول بعدی جامعه ما مبدل شوند.

به امید جمهوری آینده‌نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر  
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

3 بهمن 1383

2005, 2 January 2

## ضمیمه ها

پلاتفرم حزب آینده نگر ایران

<http://www.ghandchi.com/348-HezbeAyandehnegar.htm>

حزب آینده نگر و ائتلاف های سیاسی

<http://www.ghandchi.com/309-FuturistCoalitions.htm>

---

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>